

اسرائیل: سرزمین موعود برای یهودیان ... تا زمانی که آنها سیاه نیستند؟

نویسنده: حنان چه‌ها‌تا*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۹/۱۵

ترجمه: مهدی رمضان‌زاده**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۱۲/۰۵

۱۴۹

چکیده

تجاوز دولت و نیروهای اسرائیل به حقوق فلسطینیان ساکن اسرائیل و سرزمین‌های اشغالی فلسطین کاملاً قطعی و مستند است، اما آنچه کمتر و دقیق به آن پرداخته شده، چگونگی ریشه‌دوانیدن نژادپرستی در اسرائیل است. گستردگی نژادپرستی در اسرائیل تنها به مسلمانان و مسیحیان فلسطینی ختم نمی‌شود، بلکه یهودیان با پس‌زمینه‌های اقلیت قومی را هم در بر می‌گیرد. این مقاله در پی اثبات این نکته است که چگونه و چرا «فالاشا» - یهودیان اتیوپیایی که در چند عملیات انتقال دسته‌جمعی به اسرائیل آورده شده‌اند - خود را جزو طبقه فرودست جامعه اسرائیل تصور می‌کنند؟ آنها نه تنها در مسکن، اشتغال، آموزش، ارتش و حتی در برگزاری رسوم مذهبی خود مورد تبعیض قرار گرفته‌اند، بلکه ناخواسته به‌عنوان پشتوانه و بهانه‌ای برای ساخت شهرک‌های غیرقانونی مورد سوءاستفاده کمپانی‌های یهودی قرار گرفته‌اند.

واژگان کلیدی: بنای اسرائیل، فالاشا، نژادپرستی اسرائیلی، عملیات جوشا، عملیات موسی، عملیات سلیمان، پنا تیکوا

* پژوهشگر ارشد در مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی سیاسی رژیم صهیونیستی اسرائیل

** محقق در جامعه‌شناسی سیاسی خاورمیانه

فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکاشناسی - اسرائیل‌شناسی، سال پانزدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۳، صص ۱۶۳ - ۱۴۹.

یک. مساله چیست؟

سال ۲۰۱۱ میلادی، بیستمین سالگرد بزرگ‌ترین انتقال دسته‌جمعی یهودیان اتیوپیایی از آفریقا به اسرائیل بود. طی یک‌سری عملیات مخفیانه در اواخر دهه ۸۰ و اوایل دهه ۹۰ میلادی، هزاران یهودی اتیوپیایی - کسانی که با عنوان بتای اسرائیل (خانه اسرائیل) یا فالاشا (مهاجر در زبان عبری) - مخفیانه از کشور جنگ‌زده و قحطی‌زده اتیوپی و همچنین از کشور همسایه آن یعنی سودان با هواپیما به «سرزمین مقدس» منتقل شدند. در آن زمان، این ماموریت‌های «نجات» به مناقشه کشیده شد. یکی دیگر از تمهیدات بدخواهانه حکومت اسرائیل برای ایجاد تغییر در جمعیت فلسطین، فراخوان بازگشت دائمی به خانه به یهودیان آفریقایی تبار - زادگاه «یهودیت» - توسط برخی یهودیان بود. صرف‌نظر از اینکه مهاجران اهل کجا بودند، این اقدام تلاشی برای افزایش نسبت جمعیت مهاجران اسرائیلی به فلسطینیان بومی بود. از سوی دیگر، در حال حاضر ۲۰ سال بعد از این انتقال دسته‌جمعی سوالاتی مطرح است. آیا یهودیان اتیوپیایی به‌میزان قابل قبولی در جامعه اسرائیل جذب شده‌اند؟ آیا سرگذشت عموم آنها یکی از ادغام‌های موفق و کامل بوده است؟ و یا آنها برای مقاصد خاصی همچون تقویت بیشتر سیاست استعماری اسرائیل در قبال فلسطینیان، تامین گروه آماده‌ای از سربازان و وظیفه برای وزارت دفاع اسرائیل (IDF)، تامین نیروی کار برای مشاغل یدی پست مورد سوءاستفاده قرار گرفته‌اند؟ و آیا با آنها به‌مانند خویشاوندانی مطرود در جامعه یهودیان عمدتاً سفیدپوست رفتار نشده است؟ به‌نظر می‌رسد به‌دلیل عدم تحقق وعده برادری و وحدت، رویکرد دوم پیامد غالب را داشته باشد.

هرچند و به احتمال زیاد، نمونه‌هایی از موفقیت‌ها و پیشرفت‌های فردی وجود دارد، اما تصویری بسیار تیره و تاریک برای بسیاری از فالاشا در اسرائیل - اگر نگوئیم اکثر آنها - مشاهده می‌شود. بنا بر گزارشی در نیوزویک، آمار فقر در میان اتیوپیایی‌های ساکن اسرائیل نسبت به دیگر یهودیان اسرائیلی سه برابر است و آمار بیکاری نیز دو برابر می‌باشد. احتمال اینکه جوانان اتیوپیایی تحصیل در مدرسه را نیمه‌تمام رها کنند، بسیار بیشتر است و جوانان اتیوپیایی به همین نسبت، حضور بسیار کمتری در دانشگاه‌ها دارند و در مقابل به‌طور چشمگیری در زندان حضور دارند؛ در مجموع، بزه‌کاری نوجوانان اتیوپیایی در جامعه چهار برابر بیشتر از دیگر هم‌سالان یهودی خود است.

همچنین، بسیاری از جمعیت بیش از ۲۰۰۰۰ نفری یهودیان اتیوپیایی ساکن اسرائیل امروزی - نیمی از آنها در آفریقا متولد شده‌اند و همه آنها کمتر از دو درصد جمعیت ۷.۷ میلیونی اسرائیل را تشکیل می‌دهند - برای زندگی به محله‌های فقیرنشین یهودی و یا به شهرک‌های غیرقانونی فرستاده شده‌اند. هر سال، شکایت‌های بسیاری از نژادپرستی توسط جامعه اتیوپیایی به موسسات خیریه و سازمان‌هایی از قبیل «تبکا» گزارش می‌شود. به‌گونه‌ای محسوس، یک نابرابری فزاینده‌ای در نحوه برخورد با یهودیان سیاه و غیرسیاه وجود دارد و این در حالی است که صدها میلیون دلار کمک مالی برای ادغام فالاشا در جامعه اسرائیل توسط اهداکنندگان آمریکایی و اسرائیلی پرداخته می‌شود، اما در نهایت یک طبقه فرودست سیاه از اتیوپیایی‌ها در اسرائیل به‌وجود آمده است که در آن طبقه فرودست، ۶۵ درصد کودکان زیر خط فقر زندگی می‌کنند.

این‌گونه بیان شده است که در جهان بزرگ‌ترین اجتماع مهاجران یهودی اتیوپیایی در اسرائیل یافت می‌شوند. از این‌رو اگر نحوه برخورد با آنها مایه نگرانی شدید تمام اتیوپیایی‌ها باشد، نباید متعجب شد. همچنین بجاست که این موضوع مایه نگرانی و مورد توجه کسانی باشد که سعی در شناخت ماهیت واقعی جامعه اسرائیل را دارند. مستندات غیرقابل انکاری از نژادپرستی هرروزه در جامعه اسرائیل وجود دارد، درحالی‌که یهودیان اسرائیلی نسبت به دیگر یهودیان سیاه‌پوست تنها به‌دلیل اینکه آنها سیاه هستند، با تبعیض برخورد می‌کنند، از این‌رو نباید از نحوه برخورد آنان با فلسطینیان - مسیحی یا مسلمان - که بیشتر اوقات شدیدتر است، تعجب کرد.

دو. یهودیان اتیوپیایی تازه‌وارد در اسرائیل

بسیاری از یهودیان اتیوپیایی خود را از نوادگان سلطان سلیمان و ملکه سبا می‌دانند و به‌گمان خود می‌پندارند که کامل‌ترین صورت یهودیت را اجرا می‌کنند. یهودیان اتیوپیایی برای میلیون‌ها سال در آفریقا زندگی کرده‌اند و نسل‌ها یهودیت را در زبان و مطابق با رسوم خود اجرا کرده بودند. با وجود این، در سال ۱۹۴۸ به‌دلیل اینکه آنها به‌عنوان یهودیانی «اصیل» از سوی مقامات خاخام اسرائیلی به‌رسمیت شناخته نشده بودند، مجاز نبودند برای زندگی به اسرائیل بروند. این امر - عدم اجازه زندگی و رفتن به اسرائیل - در سال ۱۹۷۵، زمانی که حکومت اسرائیل

در دوره نخست‌وزیری اسحاق رابین فالاشا را به‌عنوان یهودیان «اصیل» به‌طور رسمی به‌رسمیت شناخت، تغییر یافت. این برای اجتماع یهودیان اتیوپیایی بسیار سرنوشت‌ساز و مهم بود که سرانجام به اعضای آن به همراه خانواده‌هایشان، «حق» علیا (مهاجرت) به سرزمین مقدس بر اساس قانون بازگشت حکومت اسرائیل داده شد.

این به‌رسمیت شناختن بحث‌برانگیز خاخام‌ها منجر به مهاجرت دسته‌جمعی یهودیان از اتیوپی به اسرائیل در دهه‌های ۸۰ و ۹۰ شد. تعداد این مهاجران به اسرائیل از ۱۰۰ نفر در ۱۹۷۷ به بیش از ۱۲۰۰۰۰ نفر در سال‌های اخیر افزایش یافت. با وجود آنکه برخی از افراد ادعا کردند انگیزه اتیوپیایی‌ها برای این جابه‌جایی تنها یک خواست مذهبی برای بازگشت به سرزمین آبا و اجدادی بود، در واقع دلایل فراوان دیگری وجود داشت؛ از جمله می‌توان به خشک‌سالی‌های شدید و قحطی‌های منجر به مرگ صدها هزار نفری در اتیوپی اشاره کرد. این دلایل غیرمذهبی می‌توانند دلایل فرار یهودیان اتیوپیایی را از شدت استیصال به اسرائیل توجیه کنند.

دلیل دیگر، ناآرامی‌های شدید سیاسی در این بازه زمانی در اتیوپی بود. امپراتوری هیل سلاسی در ۱۹۷۴ سرنگون شد و سرهنگ منگیستو هیل ماریام به قدرت رسید که از جانب کوبا و اتحاد جماهیر شوروی حمایت می‌شد و کمونیسم به همراه احساسات ضد‌مذهبی و ضدیهودی بر اتیوپی مسلط شد. منگیستو با انتقال تعداد کمی از یهودیان به اسرائیل به‌عنوان بخشی از یک معامله تسلیحاتی موافقت کرد. بر این اساس اسرائیل برای وی تسلیحات تأمین کرد، اما در بیشتر موارد یهودیان از رفتن به اسرائیل منع شدند. بنابراین، نباید تعجب کرد که به‌رسمیت شناختن غیرمنتظره فالاشا به‌عنوان یهودیانی اصیل، برای بسیاری از اتیوپیایی‌ها همانند یک بلیط طلایی بود که آنها برای رساندن خود و خانواده‌هایشان به اسرائیل زندگی‌شان را به‌خطر انداختند. قطعا کوچ از کشور قحطی‌زده و جنگ‌زده اتیوپی با وعده خوشامدگویی گرم در سرزمین شیر و عسل می‌بایست و سوسه‌انگیز بوده باشد.

سه. عملیات موسی (۱۹۸۴)، جاشوا (۱۹۸۵) و سلیمان (۱۹۹۱)

برای فرار از ناآرامی‌های سیاسی در اتیوپی در اوایل دهه ۸۰ میلادی، هزاران نفر با پای پیاده

به اردوگاه‌های نسبتاً امن پناهندگان در سودان، فرار کردند. این سفری پرمخاطره و خطرناک بود که در آن حدود ۴۰۰۰ نفر در طول مسیر سفر جان خود را از دست دادند. عملیات موسی دقیقاً از همین زمان و مکان آغاز شد. در طی یک دوره شش هفته‌ای، ۸۰۰۰ نفر از یهودیان اتیوپیایی به‌عنوان بخشی از عملیات مخفیانه هماهنگ میان ارتش اسرائیل و CIA، از سودان به اسرائیل منتقل شدند. ولی زمانی که اخبار ماموریت «نجات» علنی شد، انتقال هوایی از سودان متوقف گردید. تعداد بسیاری از خانواده‌ها پس از توقف انتقال متلاشی شدند. برخی از اعضای خانواده به اسرائیل رسیدند، برخی در سودان سرگردان بودند و برخی دیگر هم در اتیوپی جا مانده بودند.

در یک عملیات پی‌گیری در ۱۹۸۵، حدود ۸۰۰ یهودی به‌عنوان بخشی از ماموریت CIA (عملیات جوشا، به‌وسیله معاون جرج بوش رییس جمهور وقت آمریکا) از سودان به اسرائیل منتقل شدند. بزرگ‌ترین و آخرین ماموریت‌های انتقال، عملیات سلیمان بود. یک رشته پرواز بدون توقف که بیش از ۳۶ ساعت به طول می‌کشید، برای انتقال یهودیان اتیوپیایی صورت گرفت. این پروازها شامل ۳۴ هواپیمای غول‌پیکر مسافربری با تخمین انتقال ۱۴۳۲۴ نفر از یهودیان اتیوپیایی به اسرائیل انجام شدند.

چهار. «بازگشت به خانه» تشویش‌برانگیز

کلیه جنبه‌های مختلف این چندین عملیات نجات بسیار بحث‌برانگیز شدند. آیا این ماموریت «نجات» به‌واسطه خواستی مذهبی به‌منظور آوردن پیروان یهودیت به «سرزمین موعود» انجام شد یا طرحی اهریمنی برای تغییر جمعیت مهاجران یهودی مقیم در اسرائیل و سرزمین‌های فلسطین اشغالی نسبت به فلسطینی‌ها بود؟ بعد از چالش‌های زیاد برای رسیدن به اسرائیل و صرف‌نظر از هر انگیزه اولیه‌ای - مذهبی، کاربردی و یا سیاسی - در خصوص حضور اتیوپیایی‌ها در آنجا، مشخص بود که آنها مشکلات عظیمی برای ادغام در جامعه اسرائیل خواهند داشت.

به محض ورود آنها به اسرائیل، تمام اتیوپیایی‌ها به «مراکز جذب» فرستاده شدند. امکانات مسکن، آموزش و تحصیل که گفته شد بود - و هنوز هم گفته می‌شود - سرآغاز و وسیله پیشرفت ضروری در جامعه اسرائیل است. در این مراکز به مهاجران زبان عبری و «راه و رسم زندگی»

اسرائیلی را آموزش می‌دادند از نظر برخی چون بسیاری از اتیوپیایی‌ها در دهکده‌های قحطی‌زده که آب لوله‌کشی یا برق نداشتند به دنیا آمده بودند، لازم بود که آنها را به تدریج با زندگی در اسرائیل آشنا کنند. با این حال، نگرانی‌هایی در خصوص شرایط زندگی در مراکز جذب وجود داشت و برخی از مردم مشاهده می‌کردند که آنها بیشتر شبیه زندانی در مراکز «خوشامدگویی» بودند. بسیاری از اعتراضات توسط ساکنان اتیوپیایی در طول سال‌ها به دلیل نارضایتی از «فقر اقتصادی و شرایط سخت زندگی» در این مراکز، برپا شده است.

با تمام این اوصاف، آنها در خانه‌هایی ساکن شدند که تصور می‌کردند خانه‌هایی موقتی است. بسیاری از مردم سال‌هایی از زندگی خود را در شرایط نامناسبی در آن خانه‌ها صرف کرده‌اند. شنیدن جملاتی از این دست امری عادی است: «زمانی که من در اتیوپی بودم، تصور می‌کردم که در اسرائیل خوشحال خواهم بود ... اما من در یک مرکز جذب به مدت شش سال است که گرفتار هستم. تقاضای یک خانه در تل‌آویو کرده‌ام، اما اقدامی صورت نگرفته است. من در اسرائیل خوشحال نیستم. تصور می‌کنم، در اتیوپی می‌توانستم یک کار آبرومند و مناسب پیدا کنم. تصمیم دارم که در آینده به کانادا یا اتیوپی بروم.»

خواندن گزارش‌هایی در مطبوعات با تیزی مانند: با شکست مواجه شدن ادغام یهودیان اتیوپیایی در زندگی اسرائیلی، امری عادی است و به نحو تأسف برانگیزی در طول سال‌ها، شرایط زندگی برای برخی بسیار سخت شده است. این شرایط سخت منجر به افسردگی و اقدام به خودکشی برخی از افراد شده است.

بنابراین منظور از چنین زندگی‌ای برای فالاشا در اسرائیل چیست؟ در ابتدا باید گفت، استاندارد زندگی در اجتماع فالاشا به استثنای اعراب یکی از پایین‌ترین استانداردها را در اسرائیل دارد. برای مثال و با توجه به جدیدترین آمارهای وزارت رفاه و خدمات اجتماعی، دوسوم از مهاجران اتیوپیایی برای گذران زندگی نیاز به کمک دارند و در بعضی از شهرهای کوچک، نزدیک به ۹۰ درصد به چنین مراقبت‌هایی نیازمند هستند. همچنین تحقیقات نشان می‌دهند که نزدیک به ۷۵ درصد از خانواده‌های اتیوپیایی، زیر خط فقر زندگی می‌کنند و نرخ بیکاری در اجتماع یهودیان اتیوپیایی حدود ۷۰ درصد می‌باشد.

با توجه به آمارهای ارائه شده توسط انجمن اسراییل برای یهودیان اتیوپیایی، ۶۵ درصد از کودکان اسراییلی اتیوپیایی تبار در فقر زندگی می‌کنند و یک‌سوم در معرض خطر هستند، تنها ۲۱ درصد از اسراییلی‌های اتیوپیایی تبار دبیرستان را به اتمام می‌رسانند تا در امتحان ورودی دانشگاه ثبت‌نام کنند و نرخ بیکاری در میان آنها دوبرابر میزان نرخ بیکاری کل جمعیت یهودیان است. الجزیره در گزارشی از یک فالاشا، اتیوپیایی تبارها را به‌عنوان همسایگانی در اسراییل که در محله‌های فقیرنشین یهودی زندگی می‌کنند، توصیف می‌کند.

پنج. نژادپرستی آشکار

نژادپرستی نسبت به غیرسفیدپوست‌های یهودی در اسراییل پنهان و نامحسوس نیست. نمونه‌های زیادی از نژادپرستی آشکار نهادینه شده در مدارس، بیمارستان‌ها، تعاونی‌های مسکن و در درون نیروی کار وجود دارد. همچنین این نژادپرستی و تبعیض نمایان در سطح توده مردم جامعه اسراییل حاکم است. به‌عنوان نمونه، از سوی راننده اتوبوسی در ۲۰۰۹ به یک زن سیاه‌پوست اجازه داده نشد که به اتوبوس وارد شود. او می‌گوید: «من اجازه نمی‌دهم کوشیم (اصطلاح تحقیرآمیز برای انسان سیاه‌پوست) سوار اتوبوس شود. آیا در اتیوپی اتوبوس وجود داشت؟ در اتیوپی شما حتی کفش نمی‌پوشیدید و در اینجا شما کفش می‌پوشید، پس چرا پیاده نمی‌روید؟» و با مواردی همچون: گزارش‌های مهاجرانی که توسط سفیدپوستان دشمن تلقی می‌شوند اگر به‌وسیله یک مامور سیاه‌پوست IDF بازداشت شوند؛ کودکان اسراییلی به‌سمت سربازان اتیوپیایی سنگ پرتاب می‌کنند؛ و فحش‌های نژادی فراوانی مانند «شما فقط کاکاسیا هستید» به اتیوپیایی‌ها گفته می‌شود.

آوی ماسپین، سخنگوی انجمن اسراییل برای یهودیان اتیوپیایی (IAE)، می‌گوید: نژادپرستی، واژه‌ای است که من تا به امروز از به‌کار بردن آن اجتناب می‌کردم. این اجتناب به این دلیل بود که گمان نمی‌کردم نژادپرستی می‌توانست در اسراییل در ۲۰۰۷ وجود داشته باشد؛ اما زمان آن رسیده است که در این خصوص بی‌پرده صحبت کرد. جامعه اسراییلی به‌شدت تحت تاثیر نژادپرستی قرار گرفته است و با کمال تأسف باید گفت هیچ مجازات مناسبی برای

نژادپرستی در اسرائیل وجود ندارد. بنا بر گزارشی در واینت نیوز: «به نظر می‌رسد واقعیت‌ها نشان می‌دهند که این نگرش‌ها به مناطق خاصی از کشور محدود نمی‌باشد، بلکه حاکی از آن است که نژادپرستی به یک پدیده عمومی در جامعه اسرائیلی تبدیل شده است.» نژادپرستی آنچنان به اسرائیل سرایت کرده که می‌توان آن را در ویدیوهایی در یوتیوپ مانند «جنوب تل‌آویو در آتش» هم مشاهده کرد.

به‌جای پذیرفتن تنوع قومی یهودیان در اسرائیل و اجازه دادن به فالاشا تا در میراث آفریقایی خود باقی بمانند، به نظر می‌رسد که آنها را مجبور به ترک تمام بقایای میراث اتیوپیایی‌شان کرده‌اند. بنا به گفته زن جوانی به نام یوی تاشوم، که در زمان عملیات موسی در ۱۹۸۴ به اسرائیل آمده است: به‌عنوان یک مهاجر اتیوپیایی، برای اینکه اسرائیلی باشید/ بشوید شما مجبور هستید که تمام هویت اتیوپیایی خود را فراموش کنید. به‌عنوان نمونه، در زمانی که در ابتدای امر به اینجا می‌آیید، آنها اسمتان را پاک کرده و یک اسم جدید برای شما انتخاب می‌کنند. وقتی ما آمدیم، آنها نامم را پرسیدند و من پاسخ دادم که نامم «یونات» است. به‌دلیل اینکه دختر مصاحبه‌کننده متوجه آنچه که من گفتم نشد، گفت: خب، از امروز نام تو قرار است «راهل» باشد و آنگاه نام من تا بعد از خدمت سربازیم «راهل» شد.

حتی این هم کفایت نمی‌کند که آنها تلاش کنند تا بتوانند شهروندان واقعی اسرائیلی باشند، تنها رنگ پوست آنها کافی است تا فراموش نکنند که اتیوپیایی‌ها همیشه به‌عنوان بیگانگان و یهودیان غیرسفید درجه دوم در نظر گرفته شده‌اند. مطابق با گزارشی، این تبعیض حتی بعد از مرگ هم ادامه دارد. بعضی از قبرها در گورستان یهودی بنا بر رنگ اجساد جدا شده‌اند، در گورستان میان قبرهای یهودیان اتیوپیایی و دیگر یهودیان حصار کشیده شده است.

نژادپرستی در مسائل اساسی تا آنجا که فالاشا در کجا می‌تواند یا نمی‌تواند زندگی کند، گسترش یافته است. در بعضی از مناطق سیاست ممنوعیت فروش آپارتمان به یهودیان غیرسفید اعمال می‌شود. در ۲۰۰۹ یک آژانس معاملات ملکی در حال پیدا کردن منزل برای مشتریان تازه رسیده بود، از گفته‌های صاحب ملکی در اشکلتون شوکه شد: در این منطقه هیچ اتیوپیایی ساکن نبوده و نخواهد بود. این سیاست ماست. من با این موضوع که آنها در هر جای دیگر

زندگی کنند مشکلی ندارم... به جز اتیوپیایی‌ها هر کسی می‌تواند به اینجا بیاید. این قانونی است که در این ساختمان وجود دارد و کمترین انتظاری که دارم این است که ارزش آپارتمان و ساختمان حفظ شود... ما قانون ممنوعیت فروش به اتیوپیایی‌ها را به مدت ۱۶ سال است که اجرا می‌کنیم. من نمی‌توانم از جانب تمام اعضای ساختمان صحبت کنم، اما در هر صورت این موضوعی است که من تصور می‌کنم... که بلافاصله ارزش آپارتمان را کاهش می‌دهد... از ارزش آپارتمان‌هایشان ۳۰ درصد کم می‌شود. من در مسائل جزئی کارشناس نیستم، اما اگر اتیوپیایی‌ها به اینجا بیایند قیمت پایین می‌آید. من اهمیتی نمی‌دهم که چه کسی در اینجا زندگی می‌کند و نژادپرست هم نیستم، اما زمانی که من ساختمانی را که در ۱۶ سال گذشته در آن زندگی کرده‌ام به اتیوپیایی‌ها بفروشم، دیگر مستاجران مرا خائن به حساب خواهند آورد. من حاضر نیستم که روابط خودم و دوستانم را دچار تنش کنم.

شش. سلامت: رسوایی خون و کنترل موالید

در ۱۹۹۶ یکی از تکان‌دهنده‌ترین رسوایی‌هایی که بیانگر نحوه برخورد با یهودیان اتیوپیایی در اسرائیل بود، کشف شد. خون اهدا شده توسط اتیوپیایی‌ها از بیمارستان بیرون انداخته شده بود. هنگامی این رسوایی فاش شد که این عمل برای سال‌ها به‌طور مخفیانه ادامه داشته است. ظاهراً به دلیل نگرانی‌های بی‌اساسی مانند اینکه خون آنها شاید آلوده به HIV باشد، خون آنها دور ریخته می‌شده است. هزاران یهودی اتیوپیایی در بیرون ساختمان دفتر نخست‌وزیر شیمون پرس اقدام به تظاهرات نمودند و با پلیس درگیر شدند. این عمل فریبکارانه و نیز انتفاع نژادی، حاکی از یک مرحله مبتذل جدیدی در روابط میان یهودیان اتیوپیایی و اسرائیلی بود؛ به طور مثال، یک معترض گفت: ما می‌جنگیم و در ارتش می‌میریم، به تحصیل ادامه می‌دهیم، اما آن کافی نیست. این غیرقابل تصور است که شخصی برای اهدای خون بیاید و با تصور اینکه او در حال نجات دادن زندگی فرد دیگری است، فریب خورده باشد... او می‌نشیند و در بدنش سوزن وارد می‌کند و مقدار قابل توجهی از خون او کشیده می‌شود و اما هنوز یک دقیقه از اینکه سرش را بر می‌گرداند نگذشته است که آنها خونش را در زباله‌ها می‌اندازند.

با این حال، آنچه بیشتر تعجب آور است، اینکه به‌رغم اعتراض در دهه ۹۰، این عمل توهین‌آمیز در ده سال بعد نیز دوباره تکرار شده است. در نوامبر ۲۰۰۶، بیش از ۲۰۰ نفر در اعتراض به «تصمیم وزارت بهداشت و درمان برای کنار گذاشتن خون اهدا شده اتیوپیایی‌ها» در مقابل ادارات دولتی اسرائیل تظاهرات کردند. گادی یابارکن، یکی از سازمان‌دهندگان تظاهرات، گفت: ما اجازه نخواهیم داد که خونمان دور ریخته شود. تورات می‌گوید خون روح است. چگونه این رژیم به خود اجازه می‌دهد که با ما - یهودیان هم‌کیش - این چنین رفتار کند؟

مناقشه دیگری مربوط به سلامت، گزارشی بود که جاناتان کوک در ۲۰۱۰ ارایه کرد: «مقامات رسمی سلامت در اسرائیل تعداد زیادی از مهاجران زن اتیوپیایی را با داروی بحث‌برانگیزی که به‌طور طولانی مدت موالید را کنترل می‌کند، مورد آزمایش قرار داده‌اند که در مورد آن گروه‌های زنان اسرائیلی اظهار می‌کردند که آن سیاستی نژادپرستانه برای کاهش تعداد کودکان سیاه‌پوست است.» آمارها نشان از این داشت که ۵۷ درصد از کسانی که برای آنها در اسرائیل دپو پروا تجویز شده بود، زنان اتیوپیایی بودند، آن‌هم با وجود این واقعیت که فالاشا تنها نماینده دو درصد از کل جمعیت اسرائیل بود.

هدوا ایل، نویسنده و عضو یک سازمان فمینیستی واقع در حیفا در شمال اسرائیل گفت: «این موضوعی درباره کاهش موالید در اجتماعی است که اعضای آن سیاه‌پوست و اکثراً فقیر هستند.» «سیاست سکوت آن است تنها بچه‌هایی که سفید و اشکنازی هستند می‌توانند در اسرائیل باشند.» خانم ایل اضافه کرد: «آنها بر این عقیده‌اند که نحوه برخورد با زنان اتیوپیایی باید همانند خواص نباشد، بلکه به‌عنوان یک گروه جمعی باشد که احتیاج به کنترل موالید دارد.»

هفت. تبعیض در آموزش تحصیلات

اتیوپیایی‌ها از تبعیض در تمام مراحل سیستم آموزشی رنج می‌برند. از دوره کودکتان به بعد، آنها به دفعات با تبعیض آشکار معلمان و نهادهای آموزشی اسرائیل در مجموع مواجه می‌شوند. تعداد بسیار کمی از دانش‌آموزان دبیرستانی اتیوپیایی برای کسب موقعیت تحصیلی در دانشگاه ادامه تحصیل می‌دهند. برای مثال، والدین یک دانش‌آموز به‌ظاهر مخرب - بنا به گفته معلمش -

می‌گویند که معلم وی گفته بود تنبیه مناسب برای او اخراج از کلاس بود: «این پسر اتیوپیایی نه تنها مزاحم دیگر اتیوپیایی‌هاست، بلکه مزاحم دانش‌آموزان اسرائیلی کلاس نیز هست.» در موردی دیگر، در یک کودکستان در جنوب اسرائیل، کودکان اتیوپیایی تنها به خاطر اعتراض والدین کودکان دیگر به تعداد زیاد این کودکان و شلوغی کلاس‌ها از کودکستان اخراج شدند.

در یک مدرسه ابتدایی در پتی تیکوا در ۲۰۰۷، چهار دانش‌آموز اتیوپیایی به کلاسی جداگانه و جدا از دانش‌آموزان دیگر برده شدند. پدر یکی از دانش‌آموزان گفت: با ما تنها به دلیل اینکه سیاه و ضعیف هستیم با تبعیض برخورد می‌شود. *وای نت نیوز* گزارش کرد: مهاجران اتیوپیایی در یک کلاس جداگانه در انتهای راهروی مدرسه قرار داده شده‌اند. تنها یک معلم برای درس دادن به آنها و آن هم برای همه موضوعات گوناگون درسی در نظر گرفته شده بود. علاوه بر این، برای دختران ساعت‌های زنگ تفریح جدا از دیگر هم‌سن و سال‌هایشان در نظر گرفته شده بود و برای آنکه آنها نتوانند با دیگر دختران بیش از اندازه معاشرت کنند به آنها کرایه تاکسی تا خانه هم می‌دادند.

همچنین بدگویی‌های نژادی در درون سیستم آموزشی عادی است. آشر بالاتا، دانش‌آموز ۱۸ ساله، در حالی که چند ماه به فارغ‌التحصیلی‌اش در دبیرستان مانده بود، تنها به این خاطر که مدیر مدرسه‌اش را «به دلیل اینکه وی را کاکاسیاه نامید» کتک زد، از دبیرستان اخراج شده بود. در حالی که تعداد زیادی از مدارس تلاش می‌کنند تبعیض نژادی علیه دانش‌آموزان اتیوپیایی را در میان مردم عادی چنین توجیه کنند که آنها از لحاظ آموزشی عقب‌تر هستند، بسیاری از والدین فالاشا می‌دانند که دلیل واقعی بدرفتاری با کودکانشان نژادپرستی است. به عنوان نمونه پدر یکی از این دانش‌آموزان می‌گوید که هنوز از اینکه برای پسر در ترم جدید تحصیلی اجازه ثبت‌نام خواهم داشت یا نه، مطمئن نیستم. اگر آنها پسر من را پذیرش نکنند، تنها می‌تواند به دلیل اینکه او سیاه است باشد.

از آنجا که تعداد بسیاری از کودکان فالاشا در فقر زندگی می‌کنند، بر روی تحصیلشان نیز تاثیر دارد. برای مثال، اکثریت کودکان فالاشا قبل از سن چهار سالگی برای هیچ به اصطلاح کودکستان یا پیش‌دبستانی‌ای ثبت‌نام نمی‌کنند و آن هم عمدتاً به این دلیل است که والدینشان

هشت. تبعیض در نیروی کار

توانایی پرداخت هزینه این مکان‌ها را ندارند. هزینه‌ها برای هر کودک در هر ماه می‌تواند برابر با ۳۵۰ دلار باشد. همین امر آنها را به ناچار در یک وضعیت نامساعدی نسبت به هم‌سن و سالان سفیدپوست اسرائیلی که از عهده پرداخت این هزینه‌ها بر می‌آیند، قرار می‌دهد. به‌طور نامتناسبی تعداد زیادی از کودکان فالاشا به منظور پیوستن پیش از موعد به نیروی کار، تحصیل در دبیرستان را قبل از اتمام آن رها می‌کنند تا بتوانند به خانواده‌هایشان که درآمد ناچیزی دارند، کمک کنند.

تبعیض علیه یهودیان اتیوپیایی در نیروی کار نیز شایع است. بنابر گزارشی در تلگراف، اخیراً یک تحقیق نشان داد که ۵۳ درصد از کارفرمایان عدم استخدام اتیوپیایی‌ها را در اولویت قرار می‌دهند؛ البته این آمار هنوز بهتر از استخدام عرب‌ها با نرخ ارجاع ۸۳ درصد است. این تحقیق همچنین نشان می‌دهد که ۷۰ درصد از کارفرمایان تمایلی به کمک و حل مشکل کاری اتیوپیایی‌ها ندارند. در تحقیقی دیگر، از ۴۵۰۰ فالاشای فارغ‌التحصیل دانشگاه، تنها ۱۵ درصد موفق به پیدا کردن کار در زمینه رشته تحصیلی‌شان شده‌اند و در نتیجه عمدتاً کار موقت و نامربوط پیدا می‌کنند. آدام بریوچ، فعال فالاشایی، می‌گوید: «اصل و خلاصه نژادپرستی همین است. من درخواست کار می‌دادم و تازمانی که کارفرما تنها صدای مرا از پشت تلفن می‌شنید مشکلی برای استخدامم وجود نداشت. اما وقتی من با این پوست سیاه برای مصاحبه می‌رفتم، ناگهان به گونه‌ای رفتار می‌کرد که انگار مدت‌هاست که شغل به فرد دیگری داده شده است و دیگر کاری برای انجام دادن وجود ندارد.» همچنین وی گفت: «یک سیستم ناعادلانه‌گزینش وجود دارد که توسط خدمات اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.»

در حالی که فلسطینی‌ها در معرض هجوم و کینه‌توزی ارتش اسرائیل بودند، در رده‌های پایین ارتش، یهودیان اتیوپیایی هم در معرض رفتارهای موهن و تحقیرآمیز مستمر قرار داشته‌اند. در طول سالیان دراز، گزارش‌های بسیاری از کارکنان اتیوپیایی ارتش وجود دارد که به دلیل نحوه برخورد با آنها خودکشی کرده‌اند. به نمونه‌های فراوانی از برخوردهای نژادپرستانه مانند بیرون

رانده شدن یک سرباز اتیوپیایی از کلینیک ارتش توسط مافوقش می‌توان اشاره کرد. در این مورد مافوق سرباز به زیردستان دستور داده بود که بر روی درب ورودی تابلوی «ورود کاکاسیا ممنوع» نصب کنند. سرباز تحقیر شده می‌گوید: من به اتاقم رفتم و یک ساعت ونیم گریه کردم. بنا به گفته مکس بلومنتال، در سال ۱۹۷۷ یعنی شش سال بعد از موج دوم انتقال مهاجران اتیوپیایی به اسرائیل، ۱۰ درصد از خودکشی‌های درون ارتش مربوط به سربازان اتیوپیایی بود و این در حالی است که تنها آنها چهار-دهم از ارتش را تشکیل می‌دهند. نژادپرستی عامل اساسی در شیوع خودکشی است. یک سرباز ۲۲ ساله بعد از اینکه برای خواهرزاده‌اش تعریف کرد که «هر روز صبح که به مرکز می‌روم، شش سرباز انتظار آمدن من را می‌کشند تا با کوبیدن دستهایشان به هم بگویند ورود کاکاسیا ممنوع» خودکشی کرد.

نه. مهره‌هایی در یک بازی سیاسی

در حالی که مهاجرت اتیوپیایی‌ها در طول دهه ۹۰ ادامه داشت، مناقشه دیگری که توجه نسبتاً کمی را به خود جلب کرد، سوءاستفاده از تعداد زیادی از مهاجران جدید برای گسترش شهرک‌های غیرقانونی در کرانه باختری است. الستر برت، وزیر مختار انگلستان در امور خاورمیانه، با تأکید مجدد بر اینکه شهرک‌های اسرائیل غیرقانونی هستند، در تاریخ ۲۰ می ۲۰۱۱ در خصوص اقدام به شهرک‌سازی اسرائیل اعلام داشت: «بر مبنای قوانین بین‌المللی شهرک‌سازی غیرقانونی است و باید متوقف شود.» بنابراین، فرستادن مهاجران جدید برای زندگی در شهرک‌های غیرقانونی به وضوح آنها را در یک موقعیت تبعیض‌آمیز قرار می‌دهد. آدیسو ماسالا، اولین متولد اتیوپیایی عضو کنست، گفت: «نتانیاهو در حال بهره‌برداری از اتیوپیایی‌هاست. او از آنها سوءاستفاده می‌کند. مهاجران را ترغیب می‌کند تا نشان دهد که او شهرک‌سازی را بیشتر از صلح می‌خواهد. تعداد بسیاری درباره مناقشات شهرک‌سازی خبری ندارند و تنها از اینکه در اسرائیل هستند خوشحالند و مابقی حتی اگر بخواهند به زندگی در یک شهرک اعتراض کنند، می‌ترسند که چیزی بگویند... بعضی از آنها می‌ترسند که پس فرستاده شوند.» ددی زوکو، قانون‌گذاری دیگر، گفت که اگر اتیوپیایی‌ها به دلخواه خود تصمیم به زندگی در شهرک‌ها بگیرند اعتراض نخواهد کرد، اما مهم این است که آنها هیچ چاره‌ای

جز این ندارند. آنها از افرا آمده‌اند، نمی‌دانند به کجا خواهند رفت ... از روز اول ورود به اسرائیل آنها مهاجر (موچ‌کننده) هستند و حتی نمی‌دانند این به چه معناست.

ده. تحقیر مذهبی

حوزه مهم و حساس دیگری که شیوه زندگی فالاشا به وجود آورده است، این تصور است که آنها در برخی از شیوه‌های زندگی، یهودیان کم‌اهمیت‌تری در رابطه با ایمان و عمل هستند. به محض ورود، بتای اسرائیل آنها را مجبور کرده بودند که به آیین جدید تن بدهند. در میان دیگر کارها، این شامل ختنه نمادین (امنون نه بیشتر از آنچه که نیاز است) و حمام آیینی (غسل در یک مایکو) به‌عنوان تجدیدی نمادین از هویت یهودیشان بود. چنان‌که انتظار می‌رود، این اجبارها به‌عنوان یک توهین آشکار تلقی شده‌اند. تعداد بسیاری از اتیوپیایی‌ها خود را از نوادگان شاه سلیمان و ملکه سبا می‌دانند و در نتیجه خود را از نژادی اصیل‌تر از یهودیان اروپایی که خود را «نوگرا» نامیده بودند، به شمار می‌آورند. با وجود این تحت لوای قانون بازگشت، یهودیان اتیوپیایی باید در یک فرآیند «نوگرایی» به یهودیت در می‌آمدند تا تمام مزایای مالی را به‌عنوان مهاجران جدید دریافت کنند و بنابراین هرچند فرآیند ممکن است تحقیرآمیز باشد، باید پذیرفت. کیس هادان، فالاشا، در مصاحبه‌ای گفت: من به یک کنیسه اسرائیلی رفتم و به زبان عبری دعا کردم. من رهبر مذهبی مورد احترامی بودم. مسئول ۲۵ کنیسه در آمبرو بودم. در اینجا به من اجازه داده شده است که تنها به خاخامی در یک کنیسه کمک کنم. در جایی مثل بت شمس که بیشتر از ۱۰۰ خانواده اتیوپیایی زندگی می‌کنند حتی یک کنیسه اتیوپیایی وجود ندارد.

حتی فراتر از این، برخی از گروه‌های ارتدوکس افراطی مانند هاباد، اتیوپیایی‌ها را به‌عنوان یهودی نمی‌پذیرند و به فرزندان آنها اجازه رفتن به کودکان‌هایشان را نمی‌دهند؛ یهودیان اشکنازی اروپایی تبار خود را در بالاترین سطح می‌بینند و از موضع بالا به شباردیک، میزراهی و یهودیان اتیوپیایی که در سطح پایین‌ترند، می‌نگرند (البته اگر آنها را به‌عنوان یهودی قبول کنند). تا به امروز نخست‌وزیری از شیو یا میرزاهی به‌عنوان مثال انتخاب نشده است. اکثریت اصلی اعضای کنیسه اشکنازی هستند.

نتیجه‌گیری

به‌طور فزاینده‌ای، اسرائیل به‌عنوان حکومتی نژادپرست و ویژه‌خواه قلمداد شده است. آنچه که کمتر و به‌درستی به آن پرداخته شده، چگونگی ریشه‌دوانیدن نژادپرستی و رشد تدریجی آن در اسرائیل است. گسترده‌گی نژادپرستی در اسرائیل تنها به مسلمانان و مسیحیان فلسطینی ختم نمی‌شود، بلکه شامل یهودیانی با پس‌زمینه اقلیت نژادی متفاوت هم می‌شود؛ یهودیانی که ظاهراً روزگاری به‌عنوان برادران و خواهران ایمانی در اسرائیل مورد استقبال قرار گرفتند، امروز خود را تنزل یافته در طبقه فرودست می‌بینند. با اینکه آنها ممکن است در جایگاهی به‌مراتب بهتر از فلسطینی‌ها باشند، اما با این حال آنها در سطح پایین‌تری از دیگر یهودیان غیرسیاه هستند.

۱۶۳

این درست است که فالاشا در اتیوپی مجبور بود که با فقر، قحطی و خشک‌سالی مبارزه کند اما مردمی که روزگاری پیوندهای اجتماعی و خانوادگی نیرومندی داشت، در اسرائیل اجتماعش را با سطوح بالایی از بیکاری، تغییر در سلسله‌مراتب اجتماعی، زوال رسوم، افزایش سطح جرم و جنایت در میان جوانان و دیگر آسیب‌های اجتماعی گرفتار می‌بینند. آنها خود را محدود در محله‌های فقیرنشین، تبعیض در محل کار و مورد اهانت قرار گرفته با رسوایی‌هایی مانند رسوایی اهدای خون و مورد حملات نژادی واقع شدن که به‌طور فزاینده‌ای شایع است، می‌یابند. به‌نظر می‌رسد که شاکله جامعه اسرائیل از درون در حال فروپاشی است و قطعاً یکی از عوامل مهم آن نژادپرستی رایج و نهادینه شده می‌باشد.